

بازنمایی تجربه زیسته دبیران خانم از تدریس در دبیرستان های مختلط

اسفندیار خواجه کولکی

دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه شهید چمران اهواز

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تجارب زیسته دبیران زن از تدریس در مدارس مختلط دوره اول متوسطه حومه شهر ایذه در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ انجام شد. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی می باشد و داده های آن با استفاده از مصاحبه نیمه ساختارمند گردآوری شد. برای این منظور با استفاده از دو روش نمونه گیری بنا به فرصت پیش آمده و نمونه گیری موارد مطلوب، ۱۲ نفر از دبیران خانم دبیرستان های مختلط دوره اول انتخاب شدند و مصاحبه ها تا حد اشباع ادامه یافت. برای بررسی اعتبار، اطلاعات هر مصاحبه پس از تحلیل در اختیار شرکت کنندگان قرار گرفت و بر اساس نظرات آنان اصلاحات لازم به عمل آمد. پس از ضبط و بازنویسی مصاحبه ها، داده های موجود با استفاده از روش داده بنیاد مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. از تحلیل داده های به دست آمده ۶۸ کد باز، ۱۳ کد محوری و ۴ کد انتخابی به دست آمد. کدهای انتخابی شامل مدیریت رفتار جنسی، مدیریت کلاس درس، ارتباط با مدیر و همکاران مرد، و آماده سازی غنی تر دانش آموزان برای زندگی آینده بود.

واژگان کلیدی: تجربه زیسته، تدریس در مدارس مختلط (پسر و دختر)، مدیریت کلاس و مدیریت رفتار جنسی دانش آموزان.

مقدمه

امروزه آموزش و پرورش یکی از نهادهای بزرگ هر کشور است که آینده را تضمین کرده، پیشرفت و توسعه هر کشوری را تسریع می بخشد. بسیاری از اندیشمندان بزرگ راه موفقیت هر جامعه را توجه خاص به بخش آموزش و پرورش دانسته اند (تورانی، ۱۳۹۴). این نهاد به منظور داشتن عملکرد مطلوب و بهینه، نیاز به نیروی انسانی کارآمد و متخصص دارد. از آنجا که معلمان اصلی ترین سرمایه انسانی در نظام آموزشی هستند؛ دانش، مهارت و تخصص آنها از اهمیت به سزایی برخوردار است. ریشه چنین دانشی در آموزش و تربیت معلمان نهفته است (کدخدایی، ۱۳۹۵). تحول مؤثر در نظام های تعلیم و تربیت، در ارتباط با چگونگی تأمین و تربیت معلم معنا می یابد (سنگری و آخش، ۱۳۹۶).

در آموزش و پرورش به هیچ تحول علمی یا نوآوری مطلوب نمی توان دست یافت؛ مگر اینکه پیشاپیش در شیوه های کار معلمان، به عنوان کارگزاران واقعی، تغییرات متناسب به وجود آید (سمیعی نژاد، علی عسگری، موسی پور و حاجی حسین نژاد، ۱۳۹۵). در پژوهش های انجام گرفته در مؤسسات آموزشی، معلمان به طور گسترده به عنوان قدرتمندترین عامل تعیین کننده موفقیت دانش آموز شناخته می شوند. علی رغم اینکه، آنها در نقش خود با چالش های بی سابقه ای روبرو هستند (Hattie, ۲۰۰۹). سیستم های آموزشی در سراسر جهان تلاش می کنند تا کیفیت خوبی را برای شهروندان خود ارائه دهند و این موضوع، نیاز معلمان با کیفیت را افزایش می دهد (Huat See et al, ۲۰۲۰).

تحقیقات بین المللی نشان می دهد اگر چه سرمایه گذاری روی معلمان زن رو به افزایش است اما هنوز هم عدم تعادل جنسیتی وجود دارد؛ به احتمال زیاد مشاغل و پیشرفت زنان به دلیل تعهدات خانوادگی و فقدان سیاست ها یا برنامه های رسمی برای کاهش شکاف جنسیتی محدود می شود. علیرغم این واقعیت ها، تلاش برای مشارکت و پیشرفت زنان همراه با بهبود پرداخت ها و شرایط کاری، سرمایه گذاری و تحقیقات بیشتر، کاهش این شکاف در آینده تضمین می کند (Education at a Glance, ۲۰۲۲, p. ۴۱۵).

پدیدار شناسی ریشه در نهضت فلسفی دارد که Edmund Husserl آن را آغاز کرد. او بر این باور بود که نقطه شروع دانش، تجربه درونی فرد از پدیده هاست که عبارتند از : احساسات، ادراکها و تصورهایی که به هنگام متمرکز کردن توجه بر یک شی در آگاهی آشکار می شود. پدیدارشناسی پژوهشی درباره جهان است آن گونه که بر افراد جلوه گر می شود، هنگامی که آنان خود را در حالتی از آگاهی قرار می دهند که گویا تلاشی برای آزاد شدن از سوگیری ها، تعصبات و عقاید روزمره می باشد. در انجام پژوهش پدیدار شناختی، پژوهشگر با پدیده های مورد پژوهش، ارتباط نزدیک دارد و می خواهد خود را در جریان تجربه این پدیده ها بشناسد (گال و همکاران^۱، ۱۳۹۴: ۱۰۴۸). Plano Clark & Creswell (۲۰۱۵, p. ۲۸) پدیدار شناسی را روش جمع آوری داده ها به عنوان متون میدانی به زبان خود فرد، تجزیه و تحلیل داده ها برای سازماندهی داستان، و بازگویی داستان و شناسایی زمینه و مضامین داستان تعریف می کنند.

Scott (۱۳۹۰) معتقد است بیشتر دانشی که سازمان بر آن مبتنی است در مهارتها و دانش ضمنی کارکنان نهفته است. مدیریت کیفیت جامع می خواهد به دانش ضمنی و قابل دسترسی کردن آن برای عموم از طریق کشف بهترین تمرینات دست یابد و سپس این دانش را کدگذاری کرده و به طور گسترده ای بین کارکنان توزیع کند.

^۱ Gall, Borg & Gall

مرور تحقیقات پدیدارشناسانه درباره تجربه زیسته معلمان می تواند نقشی آگاهی بخش برای درک غنی تر از موضوع داشته باشد؛ در ادامه به تعدادی از مرتبط ترین پژوهش های داخلی و خارجی در این زمینه می پردازیم:

رشیدی پور، شکری، فتح آبادی و حسین پور (۱۳۹۹) در مقاله خود با عنوان تجربه زیسته دانش آموزان از پدیده بی انگیزگی تحصیلی، با انتخاب ۵۰ دانش آموز پایه های تحصیلی هفتم و هشتم شهر ری استان تهران در قالب گروه های ۴ تا ۵ نفره مصاحبه گروه های کانونی را حد رسیدن به اشباع اطلاعات ادامه دادند و با تحلیل داده ها به روش کلایزی، هشت مضمون اصلی شامل: ارتباط ادراک شده با زندگی، خودباوری تحصیلی، احساس کنترل و اجبار شدید، روابط صمیمانه، ادراک بی انصافی، عدم علاقه و توجه به درس، خودتنظیمی و تجربه هیجانات در کلاس درس را استخراج کردند. همچنین، نشان دادند که بهبود مدل رفتار رابطه ی بین فردی دانش آموز- معلم- والد با تأکید بر درک و بهبود تجارب هیجانی یادگیرندگان مؤثرترین راه برای بهبود نیمرخ انگیزشی آنها تلقی می شود.

غلامی و سدرپوشان (۱۳۹۹) در پژوهشی دیگر تجارب زیسته علل گریز از مدرسه دانش آموزان متوسطه دوره اول را بررسی کرده اند و با توجه به ۱۳ مصاحبه ی انجام شده، پنج هسته ی اصلی و مرکزی تأثیرگذار در گریز از مدرسه را شناسایی کرده اند. شامل؛ پیامدهای نظام آموزشی، منظومه ی آسیب زای خانواده، بستر آسیب زای جامعه، عوامل آسیب زای فردی و آسیب پذیری هم سالان. که هر یک پنج از هسته ی اصلی نیز خود به چند کد محوری و یک کد هسته ای طبقه بندی شدند. و نتیجه گرفتند مدرسه گریزی محصول مشترک خانواده و اجتماع بوده و عوامل فردی و گروه همسالان در تشدید مدرسه گریزی اثرگذارند.

Joseph & Ramsook (۲۰۱۶) در مطالعه ی خود تجربیات زیسته و دیدگاه های معلمان زن در مدارس پسرانه را بررسی کرده اند. برای این منظور مصاحبه هایی را با شصت و پنج معلم زن شاغل در مدارس ابتدایی و متوسطه پسرانه ترینیداد و توباگو انجام شد و سه موضوع کلی از این مطالعه پدید آمد؛ نقش معلمان زن در آموزش پسران، مقابله با چالش جنسیتی، و پویا و مقاوم بودن معلمان زن در مواجهه با مشکلات. هم چنین معلمان زن در این مطالعه معتقد بودند که علیرغم چالش ها، می توانند تفاوت قابل توجهی در نتایج تحصیلی و اجتماعی پسران ایجاد کنند.

Tangonyire et al. (۲۰۲۲) به بررسی تجربیات دبیران زن در دبیرستان های پسرانه کشور غنا پرداخته اند و نتایج مطالعه آنان نشان داد که قرار گرفتن زود هنگام با الگوهای متفاوت نقش و اجتماعی شدن با تفکر مثبت قدرتمند در سطوح خانواده، مدرسه و جامعه حاکی از ارزش هایی است که شرکت کنندگان را به سمت مدیریت عالی ترغیب می کند و راهبردهایی که آنها به کار می گیرند ترکیبی از مادر بودن و حرفه ای بودن، نقش پل سازی برای رهبری اخلاقی و رهبری تحول آفرین زنان فراهم می کند که برای رهبری در قرن بیست و یکم مناسب هستند. این مطالعه چندین پیامد را برای مدیریت زنان شناسایی می کند، از جمله: آماده سازی اولیه متقاضیان برای پست های مدیریت در مدرسه، توسعه ی حرفه ای مداوم، و حمایت از مدیران زن در مدارس. در نهایت، وزارت آموزش و پرورش باید فرصت های مدیریتی بیشتری را در مدارس برای زنان فراهم کند.

با توجه به کمبود دانش ضمنی (پنهان) بومی در کشورمان، مطالعه پدیدارشناسی در زمینه های مغفول مانده در آموزش می تواند به ایجاد فهم غنی تر از موضوع و تدوین دانش بومی کمک کرده و با ظرفیتی که در زمینه ساخت تئوری های محلی دارد، زمینه ساز شکل دهی به دانش کاربردی و متراکم درمورد تجارب زیسته گردد. با توجه به اینکه کمتر پژوهشی در زمینه تجارب زیسته دبیران زن از تدریس در مدارس مختلط انجام گرفته است، این پژوهش بر آنست تا با شناخت

زمینه ها، ابعاد و چالش های آن، راهکارهایی را برای بهره گیری مؤثر از این تجربیات برای سیاست گزاران و برنامه ریزان نظام آموزشی کشور در حال و آینده فراهم نماید.

روش پژوهش:

پژوهش حاضر از نوع کیفی می باشد که با هدف درک و توصیف تدریس دبیران زن در دبیرستان های مختلط دوره اول متوسطه حومه شهر ایزده، که به شیوه نمونه گیری موارد مطلوب^۲- مواردی که پدیده مورد نظر را به میزان فراوان نشان می دهند- و نمونه گیری بنا به فرصت پیش آمده^۳ (گال و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۹۰) انتخاب شده بودند، انجام شد (در ۵ سال گذشته و در آموزش و پرورش برخی شهرستانها - مثلاً شهرستان ایزده- به دلیل ناترازی نیروی انسانی در متوسطه اول، ناگزیر به سمت تدریس دبیران زن در دبیرستانهای مختلط روستایی دوره اول سوق داده شده است). برای رسیدن به این هدف در ابتدا پروتکل مصاحبه متشکل از ۵ سؤال اصلی بازپاسخ طراحی شد. سؤالات پروتکل معرف سؤالات اصلی مطالعه بودند. در ابتدا و قبل از شروع فرایند اصلی مصاحبه ها، سه مصاحبه ی مقدماتی برای اصلاح سؤالات انجام شد. از آنجاکه پژوهشگر همکار مصاحبه شوندگان بود (با توجه به حساسیت موضوع)، توانست همکاری بیشتر مشارکت کنندگان را جلب کرده و دریافت بهتری از اطلاعات و تجارب زیسته آنها داشته باشد. به مشارکت کنندگان در مورد محرمانه بودن مصاحبه ها و همچنین آزاد بودن برای خروج از مطالعه در هر زمان به جهت رعایت مسائل اخلاقی، اطمینان داده شد. مصاحبه ها به صورت سؤالات بازپاسخ و به مدت ۴۰ تا ۶۰ دقیقه انجام شد. در مجموع، تعداد ۱۲ مصاحبه انجام شد. پس از مصاحبه ها، اطلاعات جدیدی در صحبت های مشارکت کنندگان گزارش نشد و به دلیل رسیدن به اشباع اطلاعاتی، انجام مصاحبه ها متوقف شد.

برای جمع آوری داده ها از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. این نوع مصاحبه ها به دلیل انعطاف پذیری و عمیق بودن برای پژوهشهای کیفی، مناسب هستند (Nazir, ۲۰۱۶). همه مصاحبه ها در پاییز و زمستان ۱۴۰۱ انجام شد. از آنجاکه هدف تحقیق حاضر درک ماهیت و تجربه زیسته از دبیران زن از تدریس در مدارس مختلط بود، روش پژوهش حاضر روش پدیدارشناسی توصیفی است. روش پدیدارشناسی به زبان ساده بیانگر این است که چگونه مشارکت کنندگان پدیده خاصی را تجربه کرده و به آن معنا می دهند (Wright, ۲۰۱۹) مراحل انجام روش پدیدارشناسی شامل آشنا شدن با داده ها و خوانش اولیه، شناسایی نکات مهم و ایجاد کدهای اولیه، جستجوی مضامین، تعریف مضامین و زیرمضامین و درنهایت، نوشتن گزارش است (Creswell, ۲۰۱۳). بر این اساس، ابتدا متن هر مصاحبه روی کاغذ نوشته شد و متن آن کلمه به کلمه و خط به خط خوانده و کدهایی در حاشیه متن یادداشت شد. در نهایت ۶۸ کد باز، ۱۲ کد محوری و ۴ کد انتخابی به دست آمد.

پژوهش داده بنیاد^۴ در سال ۱۹۶۷ توسط Glaser & Strauss به وجود آمد، این نوع پژوهش (داده بنیاد یا زمینه ای) یک روش استقرایی و اکتشافی است که به پژوهشگران در حوزه های موضوعی گوناگون امکان می دهد تا به جای اتکا به نظریه های موجود، به تدوین نظریه اقدام کنند. این نظریه به شکل نظام مند و بر اساس داده های واقعی تدوین می شود و در جایی کاربرد دارد که دانش ما در آن زمینه محدود است. نظریه برگرفته از داده ها نسبت به نظریه ای که حاصل جمع آمدن یک سلسله مفاهیم بر اساس تجربه با تأملات صرف است، با احتمال بیشتری می تواند نمایانگر واقعیت باشد و از آنجا

^۲ Intensity sampling

^۳ Opportunistic sampling

^۴ Grounded theory

که نظریه زمینه ای از داده ها استنتاج می شوند، می تواند با ایجاد بصیرت و ادراک عمیق تر، رهنمود مطمئنی برای عمل باشد (مهرعلیزاده و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۲۵۸).

دانایی فرد و امامی (۱۳۸۶). انجام پژوهش داده بنیاد را شامل مراحل زیر می دانند:

۱. طرح پرسش های پژوهش ۲. گردآوری داده ها تا حد اشباع ۳. احصای نکات کلیدی و کد گذاری آزاد، محوری و انتخابی
۴. یادداشت برداری ۵. نگارش و تدوین نظریه

نتایج:

داده های حاصل از مصاحبه با سه کد گذاری اولیه، محوری و انتخابی در جدول زیر ارائه گردیده است:

کدهای اولیه (باز)	کدهای محوری	کدهای انتخابی
در محیط خانواده درباره مسائل جنسی با نوجوان گفتگو شود.	مدیریت زمینه	مدیریت رفتار جنسی
تابوی گفتگو در مورد مسائل جنسی با توجه به عرف جامعه در خانواده شکسته شود.		
همگرایی بین افراد مذهبی و رسانه ها در مرد توانایی تدریس دبیران زن به دانش آموزان پسر به وجود آید.		
همه معلمان زن ممکن است این توانایی را نداشته باشند.		
ترجیحا بهتر است از دبیران با سابقه تر در این کلاس ها استفاده شود.		
معلمان دارای فرزند به ویژه پسر به دلیل درک بهتر از شرایط دانش آموزان برای این کار مناسب ترند.		
ترجیحا از معلمان نووارد و کم سابقه استفاده نشود.		
آشنایی و تسلط دبیران به مراحل رشد و ویژگی های این دوره		
دبیران زن رفتار سازنده و واقع گرا با پدیده بلوغ داشته باشند.		
معلم با توجه به عرف جامعه با دانش آموزان دختر و پسر در مورد این روابط گفتگو کند		
تدریس معلمان زن در ۶ پایه ابتدایی برای پسران می تواند زمینه مناسبی را برای تدریس دبیران زن در متوسطه اول فراهم کند	عوامل تسهیل کننده	
با توجه به روابط دانش آموزان خارج از کلاس و زنگ تفریح این معضل تا حدودی حل شده است		
حضور دانش آموزان در فضای مجازی و آموزش مجازی ارتباط را تسهیل می کند		
با توجه به بافت سنتی جامعه و حساسیت خانواده ها، آزار جنسی و کلامی کمتر اتفاق می افتد.		
دبیران و مدیران در مورد حدود روابط صمیمانه (تفاوت بین دختر و پسر) با دانش آموزان گفتگو کنند.	تعیین حدود تعامل با دانش آموزان	

		در همان جلسات اولیه حدود تعامل و حد و مرزها با دانش آموزان در کلاس مشخص شود.
		افراط در روابط صمیمانه با دانش آموزان لوس شدن یا پررو شدن آنها شود.
	مدیریت رفتار جنسی بین دانش آموزان	گوشزد کردن به دانش آموزان پسر که یک شوخی برای دختران ممکن است آزار جنسی به شمار آید
		واکنش سریع و مناسب به تیکه پرانی دانش آموزان نسبت به یکدیگر و هدایت آنها
		درک تفاوت های تدریس به پسران و دختران
		توسعه مهارت های کلامی برای مدیریت کلاس
		تعامل دانش آموزان دختر و پسر در این دوره توانایی فهم درست و مدیریت بسیاری از مسائل جنسی فراهم می سازد
	داشتن پوشش مناسب	پرهیز از پوشیدن لباس های چسبان و بدن نما
		داشتن حجاب متناسب با عرف جامعه
		عدم استفاده از آرایش و رنگ های روشن توسط معلمان جوان تر به ویژه در جلسات اولیه
مدیریت کلاس درس	مدیریت نابهنجاریها	مدیریت کلامی و عدم لمس دانش آموزان پسر به دلیل عرف اجتماع
		تیکه پرانی دانش آموزان بی نظم نسبت به دبیر زن و ضرورت مدیریت آن
		تغییر اداره دانش آموزان از ترس و اطاعت به سمت خودکنترلی و خودمدیریتی
		توسعه مهارت های کلامی و روانشناسانه دبیران زن
	نحوه مدیریت کلاس	صحبت و ارائه چارچوب در مورد نحوه ورود و خروج به کلاس و نظم آن در جلسات اولیه
		گوشزد کردن با ادب بودن و رعایت همکلاسی ها
		زیر نظر داشتن همه دانش آموزان و همه چیز، به ویژه در جلسات اول
		سعی برای درگیر نگه داشتن همه دانش آموزان در فعالیت کلاسی
		مدیریت وقفه هایی که بین یک مبحث و مبحث دیگر در کلاس اتفاق می افتد
		برقراری تماس چشمی و نزدیک شدن به دانش آموز متخلف و هشدار غیر کلامی به منظور جلوگیری از تشدید آن.
		واقف کردن دانش آموز متخلف نسبت به خطای خود
		کنترل خشم خود و همراه کردن دانش آموز متخلف با جریان یادگیری کلاس

		پیش بینی رفتارهای ناهنجار دانش آموزان با توجه به بی حوصلگی و خستگی و مدیریت آن
		واکنش متناسب با رفتار دانش آموز خاطی
		به روز رسانی مستمر دانش و مهارت در تعامل با دانش آموزان با توجه بافت مدارس
		اشتراک گذاشتن تجربیات دبیران در مورد تعامل با دانش آموزان مورد دار در زنگ تفریح
	شیوه تدریس	تمایل به آموزش مستقیم و عدم تمایل به تدریس مشارکتی در بسیاری از موارد
		ضرورت توانایی مدیریت کلاس در روش های تدریس مشارکتی
		توجه دبیران زن به مسائل واقعی و روزمره زندگی انگیزه بیشتری را برای یادگیری پسران ایجاد می کند.
	مدیریت عواطف	درک تفاوت دبیران زن و مرد در مدیریت کلاس درس برای دانش آموزان
		داشتن عواطف مادرانه به تعامل درست کمک می کند.
		ترکیب نقش معلم ، مشاور، مادر تجربه ای چالش انگیز بوجود می آورند.
		با توجه به احساسی بودن زن ها باید به سمت رفتار منطقی حرکت کرد.
ارتباط با همکاران و مدیر	ارتباط توام با احترام، حرفه ای و حمایتگر همکاران آقا	تفاوت های شخصیتی برون گرایی و درون گرا و تشکیل طبیفی از ارتباطات با همکاران آقا و مدیران
		چالشها و مزایای دفترهای جداگانه برای زنگ استراحت دبیران زن
		دادن فرصت برای توسعه مهارت های حرفه ای در این مدارس
		درک بهتر از مشکلات تدریس همکاران مرد
		احترام بیشتر و حفظ حریم ها
		شکل گیری جو مثبت، پذیرا، حمایتگر و همکارانه در مدارس
	نحوه رفتار مدیر	ضرورت برخورد حمایتگر مدیر در ارتباط با بی نظمی های دانش آموزان پسر
		در جلسات اول حدود ارتباط با دبیران زن را برای دانش آموزان روشن سازد و حمایت کند
		نقش حمایت کننده، صمیمانه و حرفه ای مدیران
		قبول محدودیت ها و تفاوت های دبیران زن نسبت به دبیران مرد
		آشنایی نسبی مدیران با وضعیت خانوادگی و تعداد بچه ها (بویژه بچه های کوچک) همکار

		رفتار حمایت گر از مدیران از معلمان زن در برابر اولیا
آماده کردن غنی تر دانش آموزان برای زندگی آینده	توجه دادن به قابلیت های زنان	ارئه الگویی از یک زن موفق در جامعه توسط دبیران زن
		مجهز کردن پسران و دختران برای نقش های آینده پدری و مادری
		دبیران زن به عنوان الگوی مثبت جنس مونث برای پسران مطرح می شود
	برخورد مناسب تر با مسائل فعلی و آینده	دانش آموزان پسر نیاز به برخوردهایی لطیف تر با مسائل دارند
		درک بهتر دانش آموزان پسر و کمک به دبیران خانم در کارهای فیزیکی
		نهادینه شدن احترام به زنان
		فاصله گرفتن از تصورات کلیشه ای و سنتی در مورد زنان
	درک بهتر از زندگی اجتماعی	درک زنان به عنوان افرادی مستقل توانمند و حمایتگر و نه وابسته به مردان
		داشتن دانش آموزان پسر از طیف های مختلف درک بهتری را برای تربیت فرزندان به دست می دهد
		ترکیبی از مادر بودن و معلم حرفه ای بودن به ارتباط کمک می کند
		با توجه به اینکه مدارس وظیفه آماده کردن دانش آموزان برای حضور در جامعه را دارند این نوع کلاس ها می تواند درکی مفید و سازنده برای آنها فراهم کند

پس از تحلیل و کدبندی مصاحبه ها، مدل مفهومی این تحقیق داده بنیاد در جدول زیر ارائه گردیده است. در این الگو شش مقوله پدیده محوری، شرایط علی، راهبردها، شرایط زمینه ای، شرایط مداخله گر و پیامدها طبقه بندی شدند. پدیده محوری؛ مرکز فرایند در حال بررسی است که سایر مقوله ها به آن ربط داده می شوند. شرایط علی؛ مقوله هایی هستند که نسبت به پدیده محوری مقدم بوده و بر آن تأثیر می گذارند. شرایط زمینه ای؛ شرایط خاصی است که بر راهبردها اثر می گذارد. شرایط مداخله گر؛ شرایط عمومی است که بر راهبردها تأثیر می گذارد و آن ها را تسهیل یا محدود و مقید می سازد. راهبردها؛ کنش ها یا برهم کنش هایی است که برای اداره پدیده محوری اعمال می شود و پیامد حاصل این کنش ها و برهم کنش ها است (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶)

شرایط علی:	شرایط زمینه ای:	راهبردها:	پیامدها:
- نبود امکانات مادی و مالی مناسب	- سردرگمی ساختار	- دادن آموزشهای لازم و مهارت	- تلطیف محیط جامعه
- ایراد در قوانین موجود	- فراهم نبودن فضای فرهنگی مناسب	- آموزی دبیران زن در مدارس مختلط	- ایجاد بینش درست در دانش آموزان دختر و پسر
- تعارض ارزشهای جامعه و نظام آموزشی	- مقوله محوری:	- تدریس معلمان زن در پایه های پایین تر	- نسبت به یکدیگر و شناخت بیشتر
- ضعف مشارکت اجتماعی	تدریس زنان در دبیرستان های مختلط		

-جامعه پذیری بهتر دانش آموزان	-تلاش برای ایجاد فهم درست از توانایی زنان -نگاه غیرجنسی به آنها - ارزیابی و بازنگری و ایجاد بسترهای لازم	شرایط مداخله ای: نگاه دینی به زن عامل سیاسی و قدرت عوامل فرهنگی جامعه	
----------------------------------	--	---	--

مدل مفهومی داده بنیاد

بحث و نتیجه گیری

در دو دهه گذشته شاهد نازاری در جذب معلمان با توجه به رشته و منطقه، در بسیاری از استانهای کشور بوده ایم. این سردرگمی در سیاست گذاری باعث بروز چالش ها و معضلات زیادی در حوزه آموزش گردیده و کیفیت خروجی های نظام آموزش و پرورش را در این مناطق پایین آورده است. در مطالعه حاضر دبیران زن مشارکت کننده با توجه به داشتن طیف نسبتا وسیعی از تجربه زیسته تدریس در دبیرستان های مختلط، به خوبی نیمرخی از وضعیت شان را تصویر کرده اند. تحلیل اطلاعات ارائه شده توسط شرکت کنندگان در این مطالعه، چهار موضوع اصلی را به وجود آورد؛ مدیریت رفتار جنسی، مدیریت کلاس درس، ارتباط با همکاران مرد و مدیر، و آماده کردن غنی تر دانش آموزان برای ورود به جامعه. مدیریت رفتار جنسی: سبک زندگی ایرانی - اسلامی حاکم بر فضای فعلی آموزش و پرورش، تفکیک دو جنس دختر و پسر در محیط های آموزشی تاکید دارد و معتقد است وجود این نوع فضاهای آموزشی مختلط در غرب و ایضا در ایران باعث ایجاد زمینه های ضد اخلاقی می شود. در پژوهش حاضر پنج محور مدیریت زمینه، عوامل تسهیل کننده، تعیین حدود تعامل با دانش آموزان، مدیریت رفتار جنسی بین دانش آموزان، آماده سازی برای ورود به جامعه، داشتن پوشش مناسب به دست آمد.

در مدیریت زمینه عواملی چون تدریس معلمان زن در ۶ پایه ابتدایی، گفتگوی درباره مسائل جنسی در خانواده، همگرایی بین تمام طیف های جامعه، استفاده از معلمان زن با تجربه تر برای کلاس های مختلط، تسلط به مرحله بلوغ نوجوانان و برخورد سازنده با آن مطرح گردید که در کنار عوامل تسهیل کننده ای مانند ارتباط دختران و پسران در فضای مجاز و خارج از کلاس درس و بافت سنتی جامعه می تواند بستر مناسبی را برای تدریس دبیران زن فراهم آورد. البته تعیین حدود تعامل و حد مرزها در ابتدای سال و پرهیز از افراط و تفریط در ارتباط با پسران در ادامه سال تحصیلی می تواند نقش به سزایی داشته باشد. مورد بعدی مدیریت رفتارهای جنسی دانش آموزان است که با واکنش سریع و مناسب به تیکه پرانی دانش آموزان، توسعه مهارت های کلامی برای مدیریت کلاس و گوشزد کردن این مورد به پسران که یک شوخی ساده برای دختران ممکن است آزار جنسی به شمار آید، می توان به این مهم دست یافت. و در نهایت داشتن پوشش مناسب و پرهیز از لباس های چسبان و بدن نما به ویژه برای دبیران زن جوان تر حایز اهمیت می باشد.

مدیریت کلاس درس: در این موضوع سه محور مدیریت نابهنجاریها، شیوه تدریس و مدیریت عواطف حاصل گردید. مشارکت کنندگان اظهار داشتند با تلفیق قاطعیت و روش های آموزشی دلسوزانه، به طور موثرتری می توانند آموزش دهند. محور بعدی، ارتباط موثر، پویا و انعطاف پذیر در معلمان زن در مواجهه با دانش آموزان می باشد. علیرغم تمامی مشکلات بسیاری از پاسخ دهندگان به رویکردهای دانش آموز محور علاقمند بودند تا رویکردهای اجتماعی بهتر گردد.

مدیریت رفتار با مدیر و همکاران مرد: دو محور ارتباط توأم با احترام، حرفه ای و حمایتگر همکاران مرد و رفتار حمایتگر مدیر استنتاج شد. در این پژوهش تقریباً تمامی شرکت کنندگان تعاملات مثبتی با همتایان مرد خود گزارش کردند و احساسی مبنی بر بی احترامی و ترس نداشته اند. دومین مورد کرامت در تعامل با همکاران بود، آنها ابراز داشتند که همتایان مردشان عموماً با ادب حرفه ای با آنها رفتار می کنند و اغلب از آنها در مقابل مشلات به وجود آمده کمک کرده و از آنها محافظت می کنند؛ تعدادی از آنها اظهار داشتند که حالت محکم و مقتدرانه آقaban در مدارس به منظور جلب احترام از سوی برخی از دانش آموزان پسر، ضروری می باشد.

آماده سازی برای ورود به جامعه: سه محور توجه دادن به قابلیت های زنان، برخورد مناسب تر با مسائل فعلی و آینده، و درک بهتر از بعد اجتماعی زندگی به دست آمده است. مزیت آشکار این آموزش ارزش احترام یکسان به زنان بود. در حالی که معلمان زن نمی خواهند نقش دبیران مرد را کاهش دهند، اما خود را عامل مهمی در تغییر کلیشه های برخی مردان روستایی در مورد نقش زنان به عنوان مادر، همسر می دانند.

در پایان باید خاطر نشان ساخت فرصت های تدریس دبیران زن در دبیرستان های مختلط، با وجود همه چالش ها، می تواند تفاوت قابل توجهی در کیفیت تحصیل پسران و دختران ایجاد کنند. و دبیران زن خود را معلمانی با اعتماد به نفس و مؤثر می بینند که به خوبی آماده تأثیر مثبت بر نتایج آموزشی و اجتماعی آنها هستند.

شایان ذکر است این پژوهش در مورد دبیران خانم در مدارس کم جمعیت حومه شهری (روستایی) انجام گرفت و برای کلاسهای با جمعیت بیشتر و در محدوده شهری، پژوهش مجزای دیگری را می طلبد.

• منابع:

- اسکات، ریچارد (۱۳۹۰). *سازمان ها؛ سیستم های حقوقی، حقیقی و باز*، ترجمه محمدرضا بهرنگی، تهران: نشر کمال تربیت.
- تورانی، حیدر (۱۳۹۴). اصول و روابط انسانی در بهره وری مدارس. رشد مدیریت مدرسه. شماره ۳.
- دانایی فرد، حسن و امامی، سیدمجتبی (۱۳۸۶). استراتژی پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه پردازی داده بنیاد، *اندیشه ی مدیریت*، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۶؛ صص ۶۹-۹۷.
- سمیعی نژاد، بیژن، علی عسگری؛ مجید، موسی پور؛ نعمت الله و حاجی حسین نژاد، غلامرضا (۱۳۹۵). فرایند تربیت معلم ابتدایی در تراز جمهوری اسلامی ایران: فرصت ها و تهدیدها، *فصلنامه تعلیم و تربیت*، شماره ۲۷، صص ۳۳-۹.
- سنگری، محمود و آخش، سلمان (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی نحوه جذب و آماده سازی دانشجو در مراکز تربیت معلم کشورهای ژاپن، استرالیا و ایران، *نامه آموزش عالی*، دوره ۱۰، شماره ۳۷، صفحه ۳۲-۷.
- رشیدی پور، فاطمه؛ شکری، امید؛ فتح آبادی، جلیل و حسین پور، شهریار (۱۳۹۹). تجربه زیسته دانش آموزان از پدیده بی انگیزگی تحصیلی: یک مطالعه پدیدارشناختی، *فصلنامه روانشناسی تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی*، سال شانزدهم، شماره ۵۶، تابستان ۹۹، صص ۱۹۷ تا ۲۳۴.

- غلامی، آبتین و سدرپوشان، نجمه (۱۳۹۹). درک تجربه زیسته علل گریز از مدرسه دانش آموزان متوسطه دوره اول، نشریه علمی پژوهش های آموزش و یادگیری، دوره ۱۷، شماره ۲، پیاپی ۳۲، پائیز و زمستان ۹۹، صص ۱۲۱-۱۴۹.
- کدخدایی، محبوبه سادات (۱۳۹۵). آموزش معلم: چیستی، چندگونگی و چگونگی، فصلنامه تربیت معلم فکور، سال دوم، شماره ۳، صص ۴۴-۲۷.
- مهرعلیزاده، یداله؛ صفایی مقدم، مسعود؛ صالحی عمران، ابراهیم و علم، محمدرضا (۱۳۹۲). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی، اهواز انتشارات دانشگاه شهید چمران.
- Brown, G.& Atkins, M. (۲۰۰۲). *Toward a theory of instruction*. New York: Norton gouhedge.
- Hattie, J. (۲۰۰۹). *Visible learning: A synthesis of over 800 meta-analyses relating to achievement*, Routledge, United Kingdom.
- Huat See, B. ; Morris, R. ; Gorard, G. & El Soufia, N. (۲۰۲۰). What works in attracting and retaining teachers in challenging schools and areas? *Oxford Review of Education* , Volume ۴۶, Issue ۶ , Pp ۶۷۸-۶۹۷
- Joseph, S. & Ramsook, L. (۲۰۱۶). Women teachers in boys' schools: Experiences and perspectives, *International Journal of Education and Research*, Vol. ۴ No. ۴, Pp. ۲۹۵-۳۰۴.
- Nazir, J. (۲۰۱۶). Using phenomenology to conduct environmental education research: Experience and issues. *The Journal of Environmental Education*, 47(۳), ۱۷۹-۱۹۰.
- Wright, T. (۲۰۱۹). Phenomenology, pedagogy, and poetry in the lives of women raising children in poverty: An approach for educational researchers. *Journal of Curriculum and Pedagogy*, ۱-۱۴.
- Creswell, J. W. (۲۰۱۳). *Educational research: Planning, conducting, and evaluating*. W. Ross MacDonald School Resource Services Library.
- Plano Clark, Vicki L. & Creswell, John W. (۲۰۱۵). *Understanding Research*. Pearson Education, Inc.
- OECD (۲۰۲۲), *Education at a Glance 2022: OECD Indicators*, OECD Publishing, Paris.
- Tangonyire, R. ; Nyame, G. ; Bediako Asare, K. & Jangu Alhassan, A. (۲۰۲۲). The experiences of female headteachers of boys' senior high schools in Ghana , *Educational Management Administration & Leadership*, OnlineFirst, First published online July ۱۵, ۲۰۲۲.